



دو فصلنامه مطالعات زبان و ادبیات کردی دانشگاه

آزاد اسلامی واحد سنندج

دوره ۱، شماره ۱، پیاپی ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۴

مضامین اخلاقی - تربیتی در سروده‌های لطیف هلمت (له‌تیف هه‌لمه‌ت) شاعر کردستان عراق

دکتر سیدکیهان شهدائی (نویسندهٔ مسئول)

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

شیرین گرگانی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

DOI:

به‌رواری وه‌رگرتن: ۲۰۲۵/۳/۲۵

به‌رواری قبوول: ۲۰۲۵/۸/۲۳

صفحات: ۱۵۵-۱۸۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱/۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۶/۱

چکیده

لطیف هلمت از شاعران نوسرای کردستان عراق که از پیشگامان شعر کودک در ایران و عراق به شمار می‌رود و در زمینه‌ی زبان، شعر هلمت سبک ویژه‌ی خود را داراست. زبانی که به دور از استعاره و ایهام در کمال سادگی سعی دارد با مخاطب خود ارتباط برقرار کند. هلمت از دریچه‌ی چشم کودکان به مسائل نگاه می‌کند و کودکان را همنشین ابر و همکلام باد می‌داند. خودش را جای کودکان می‌گذارد و در اشعاری که می‌سراید مضامین اخلاقی و تربیتی را خلافاً به کودک می‌آموزد. اما نکته‌ی جالب توجه مهارت عجیب و ذاتی هلمت در شعر کودک است؛ چرا که شعر کودک مهارت و روحیه‌ی خاص خود را می‌طلبد و باید روحی کودکانه و خالص داشته باشد تا بتواند در این قشر آینده ساز جامعه نفوذ کند و اثر بگذارد. هلمت هم با توجه به نیازهای فکری و درک محدود کودک، نگاه کودکانه را در اشعارش برمی‌گزیند و به جای نصیحت مستقیم به کودکان به صورت غیرمستقیم آنها را به دنیای خیال و رویا می‌برد.

مقاله حاضر در پی آن است که به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی مضامین اخلاقی و تربیتی را در شعر هلمت از دو منظر ساختار و محتوا مورد بحث و بررسی قرار دهد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که لطیف هلمت برخلاف دیگر شاعران کُرد به گوهر گرانبه‌ای اخلاق و تربیت در اشعار کودکان اشاره کرده و در این زمینه گام نهاده و برای کودکان به خوبی شعر سروده است.

واژگان کلیدی: شعر کودک، لطیف هلمت، خیال، اخلاق، تربیت

تەوهری ئەخلاقى و پەرۆردەیی لە شیعەرەکانى لەتيف هەلمەت (لەتيف هەلمەت)، شاعیرێكى

کوردستانی عێراق

سەید کەیهان شۆهەدايى (نوسەرى پەيوەندیدار)

پروفیسۆرى یاریدەدەر، بەشى زمان و ئەدەبى فارسى، لقى سنە، زانکۆى ئازادى ئىسلامى، سنە، ئێران.

شیرين گورگانی

خوێندکاری دکتۆرا، زمان و ئەدەبى فارسى، لقى سنە، زانکۆى ئازادى ئىسلامى، سنە، ئێران.

لەتيف هەلمەت شاعیرێكى خەڵكى شارى نووسەرای کوردستانی عێراقە و بە یەكێك لە پێشەنگەکانى شیعرى مندالان لە ئێران و عێراق دادەنرێت. لە ڕووى زمانەوه شیعرى هێلمات خاوەنى ستایلێكى تایبەتى خۆیتى. زمانێك كە دووهر لە میتافۆر و ناماژە، و هەول دەدات بە سادەیی تەواو لەگەڵ بێنەرەكەیدا پەيوەندى بكات. هێلمات لە چاوى مندالانەوه سەیری پرسەكان دەكات و مندالان بە هاوێلى هەور و قسەكەرى با دەزانێت. خۆى دەخاتە پێلاوى مندالان و بە شێوەیەكى داھێنەرانه لە شیعەرەکانیدا فێرى تەوهرى ئەخلاقى و پەرۆردەیی مندالان دەكات. بەلام خالى سەرنجراكیش، لێهاتوویى نامۆ و سروشتى هێلماتە لە شیعرى مندالان؛ چونكە شیعرى مندالان پێويستى بە لێهاتوویى و ڕۆحى خۆى هەیه و دەبێت ڕۆحێكى مندالانە و پاکی هەبێت بۆ ئەوەى بتوانێت بچێتە ناو ئەم چینه ئاینەسازییەى كۆمەلگاوه و کاریگەرى دروست بكات. هەروەها هەلمەت لە شیعەرەکانیدا دیدێكى مندالانە هەڵدەبژێرێت، بە لە ڕەچاوگرتهى پێداوێستیه فیکرى و تیگە یشتنه سنوورداره كانی مندالان و لە جیاتی نامۆزگارى راسته وخۆى مندالان، بە ناراسته وخۆى دەیانباتە دونیای خەیاڵ و خەونەكان.

ئەم نووسینەى ئێستا هەول دەدات لە ڕوانگەى پێكهاته و ناوهرۆكهوه، بە شێوەیەكى وەسفیی-شیکاریی، تەوهرى ئەخلاقى و پەرۆردەیی لە شیعرى هێلماتدا تاوترێ بکات و لێى بکۆڵێتەوه. ئەو ئەنجامانەى بە دەست هاتوون دەریدەخەن كە لەتيف هەلمەت بە پێچەوانەى شاعیرانى دیکى کوردەوه ناماژەى بە جەوهەرى بەنرخى ئەخلاق و پەرۆردە لە شیعرى مندالاندا کردووه و هەنگاویكى لەو بوارهدا ناوه و شیعرى بۆ مندالان بە باشى ناماده کردووه.

وشەى سەرەكى: شیعرى مندالان، لەتيف هەلمەت، خەیاڵ، ئەخلاق، پەرۆردە

مقدمه

نگاهی کوتاه به زندگی لطیف هلمت

لطیف هلمت شاعر، مترجم، نویسنده و روزنامه‌نگار گُرد از شاعران مطرح و نوسرایی است که دارای بیش از بیست مجموعه شعر می باشد. در سال ۱۹۴۷ در خانواده‌ی دینی در شهرکفری کرکوک به دنیا آمد. پدرش شاعر بود و نخستین کتاب غیر درسی را که خوانده، از جمله‌ی کتابهای کتابخانه‌ی شخصی پدرش بوده است. اولین شعر را در سال ۱۹۶۳ سروده است. اگر چه در ایران هلمت را بیشتر به عنوان شاعر می شناسند اما می توان او را یکی از پایه گذاران ادبیات نوین کودک و نوجوان کردی به شمار آورد که آثار زیادی در این زمینه خلق کرده است.

برای شناخت افکار و اندیشه‌های شاعرانه‌اش بهتر است به مصاحبه‌ای که با ایشان در تهران انجام داده رجوع کنیم. وی در آن سال به عنوان یکی از مهمان‌های دعوت شده به همایش شاعران ایران و جهان به تهران آمده بود. تحت تأثیر شاعرانی چون تی-اس.الیوت، پوشکین، رمبو و... که به عربی ترجمه شده بودن به شعر نو علاقه‌مند شد و به قول خودش خواندن همین شعرها باعث تحول دیدگاهش به شعر شد. تفکر هلمت بیشتر تفکری سوسیالیستی است و شاید تحت تأثیر افکار همین شاعران و نویسندگانی که آثارشان به عربی ترجمه شده بود قرار گرفت (شکری‌پور، ۱۳۹۱: ۱۳).

در سال ۱۹۶۳ در حالیکه نوجوانی ۱۵-۱۶ ساله بود به همراه فرهاد پیربال و احمد شاکلی تصمیم گرفت گروهی را تشکیل دهند که نوپردازی کنند. هدف آنها از این نوگرایی در شعر گُردی رها کردن شعر از قواعد کلاسیک بود. چون احساس می‌کردند که شعر گُردی به وزن و قافیه محدود شده و مرتب دارد تکرار می‌شود. در سال ۱۹۷۰ اولین مجموعه شعرش به نام «خدا در شهر کوچک ما» بر اساس همین تفکر منتشر شد. مخالفت‌های زیادی با انتشار این کتاب شد. اما بعد از یک سال این کتاب به سبب استقبال زیاد در بازار نایاب شد. وی شیرکو بیکه‌س را شاعری نوپرداز و محافظه کار

می‌داند و با این دلیل که او هنوز به قافیه و وزن پایبند است و شعر بی‌وزن و قافیه را قبول ندارد و شعرهای بی‌وزن و قافیه را شعر منثور می‌داند.

در مورد ارتباط بازبان فارسی و شاعران ایرانی چنین می‌گوید: «شاملو را به فارسی خوانده‌ام و وقتی به عربی ترجمه شد خیلی بهتر درکش کردم. فروغ و سهراب را هم به فارسی خوانده‌ام. شعر حافظ را هم به فارسی و هم به عربی خوانده‌ام و این شاعران را دوست دارم. وقتی بچه بودیم پدرم بوستان و گلستان سعدی و منطق الطیر عطار را به فارسی برایمان می‌خواند و ترجمه می‌کرد».

(هه لمه ت) هلمت از سال ۱۹۷۵ در زمینه‌ی ادبیات کودکان نیز به فعالیت پرداخت و آثار شایسته‌ای شامل شعر و داستان (دیوان مندالان) که این کتاب‌ها در سال ۲۰۰۰ جایزه‌ی «ای پیک» سوئد را برای (هه لمه ت) هلمت به ارمغان آورد.

انتخاب این موضوع به چند دلیل اصلی بازمی‌گردد: اول اینکه اهتمام تمام مکاتب بشری و متفکران هر مکتب به بحث درونی کردن ارزش‌ها و فرهنگ‌سازی اخلاق و تربیت نشان از اهمیت این بحث دارد و اهمیت این مسئله آنجا افزایش می‌یابد که هلمت با خردها و دل‌های دست‌نخورده و پاک سر و کار دارد، یعنی همان کودکان. علت دوم آن به لطیف (هه لمه ت) هلمت برمی‌گردد؛ که با ذهن خلاق، تخیل غنی و زبان هموار و انعطاف‌پذیر خود بیانگر تازه‌ترین یافته‌ها و الهامات شعری در این زمینه است.

مقاله حاضر بیشتر به بررسی و تحلیل مضامین اخلاقی-تربیتی در دیوان مندالان (کودکان) شاعر پرداخته شده است و در پی پاسخ دادن به سوال‌های زیر هستیم:

۱. مضامین اخلاقی و تربیتی در اشعار کودکان لطیف هلمت چگونه است؟
۲. کدام مضامین اخلاقی-تربیتی در دیوان مندالان لطیف هلمت بیشتر نمایان است؟

جامعه آماری ما در این مقاله کتاب دیوان مندالان (کودکان) لطیف هلمت است که دربرگیرنده همه اشعار کودکان این شاعر است و از جمله پژوهش‌هایی که به اشعار لطیف (هه‌لمه‌ت) هلمت پرداخته‌اند: مجله گلستانه (رضا کریم مجاور) و گزیده اشعار لطیف (هه‌لمه‌ت) هلمت (مریوان هلیجه‌ای) و گورستان گل‌ها (مختار شکری پور) و از آنجایی که لطیف (هه‌لمه‌ت) هلمت شاعری کرکوک‌ی است آثارش در ایران کمتر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و زمینه تازگی تحقیق در مقاله حاضر بررسی مضامین اخلاقی-تربیتی در شعر وی می‌باشد که در هیچ پژوهشی به آن پرداخته نشده است.

مضامین اخلاقی - تربیتی

همه‌ی آثار ادبیات کودک به یک معنی می‌تواند تربیتی - اخلاقی باشد، اما مقصود از مفاهیم تربیتی - اخلاقی در این تحقیق معنای خاص این ترکیب است. برخی از گزاره‌های اخلاقی مختص دین یا مذهب خاصی نیستند، بلکه جزء اخلاقیات بشری به شمار می‌آیند.

اهمیت دادن به ادبیات کودک، اهمیت دادن و ارزش بخشیدن به یک آینده روشن برای بشریت است؛ زیرا ادبیات کودک زیر بنای تحولات ذهنی، فکری، اجتماعی و علمی آینده‌سازان جامعه است. به همین سبب توجه به ادبیات کودک از جهات زیر درخور اهمیت است:

- پدید آوردن میل و نیروی کنجکاوی در کودکان برای اندوختن تجارب و معلومات نوین در مورد موضوعات گوناگون؛
- کمک به آموزش و یادگیری زبان؛
- تقویت، تربیت قدرت اندیشه توسط خواندن و بیان نمودن قصه‌ها و داستان‌های گوناگون؛
- آشنا ساختن غیر مستقیم کودک به دنیا و محل زندگی‌اش؛
- تقویت تمایلات کودکان؛

- تقویت علاقه‌ی او به زندگی اجتماعی و همکاری صادقانه و صمیمانه با دیگران؛
 - ایجاد اعتماد به نفس و استقلال بخشیدن به شخصیت او؛
 - برآورده ساختن برخی از ضرورت‌های ذهنی و عاطفی؛
 - سوق دادن عادت او به کتاب‌خوانی در دوران کودکی (گرمارودی، ۱۳۸۳: ۱۴۰).
- شعر کودک یکی از حساس‌ترین و پیچیده‌ترین نوع ادبی است که با تمام حساسیت و پیچیدگی مستلزم اوزانی کوتاه و زبانی بسیار ساده و در حد فهم کودکان است.
- براستی نوشتن در باب «ادبیات کودک» کاری ساده نیست و نیاز به تحقیق و تفحص زیادی دارد. از آن‌جا که ادبیات کودک با «گرایش به زبان‌گردی» مقوله‌ای است کاملاً هدفمند و اساسی و ریشه در پرورش افراد کارآمد با گرایش‌های ادبی - ملی دارد، سخت‌تر به نظر می‌رسد؛ تا جایی که در یکی دو دهه‌ی اخیر، در ادبیات‌گردی اصلاً شاعر شعر کودک به معنای واقعی آن نداشته‌ایم و اگر آثاری در این زمینه در دست است، سروده‌ی شاعران شعر بزرگسال است که گاهی برای تفنن برای کودکان نیز شعری سروده‌اند. در اغلب این اشعار روی خطاب با نوجوانان است نه کودکان و تنها وجه تمایز این اشعار با شعرهای دیگر، خطاب قراردادن کودک است؛ اما لطیف‌ه‌لمت این شاعر مطرح و نوسرا یکی از پایه‌گذاران ادبیات نوین کودک و نوجوان به زبان‌گردی به شمار می‌رود که آثار زیادی در این زمینه خلق کرده است. زبده آثار کودکانه او در دیوان مندالان جمع‌آوری شده است و در این پژوهش سعی بر آن است تا با بررسی اشعار و داستان‌های دیوان مندالان (کودکان) هلمت ابعاد و نکته‌های اخلاقی تربیتی در این دیوان نمایان شود.
- تعداد اشعاری که دربردارنده مضامین اخلاقی-تربیتی هستند در اشعار هلمت بسیار فراوان است از نظر روانشناختی شاعر به کار نبردن واژگان و عبارت‌های منفی را مدنظر داشته است تا ذهن بکر و زیبای کودک با این عبارت‌ها مواجه نشود مثلاً به جای دروغ نگفتن، راستگو بودن و به جای بی ادب بودن، با ادب بودن را به کار می‌برد

و گاهی اوقات هم مفاهیم اخلاقی را مستقیم و معمولاً با فعل امر باید و نباید و مفاهیم غیرمستقیم را با وجه خبری به کار می‌برد که در این صورت تاثیرشان بیشتر از زمانی است که شاعر مستقیم به کودک پیام می‌دهد.

حال به بررسی این اشعار می‌پردازیم:

در شعر **دایکم** (مادرم) پند و اندرز با زبان شیرین کودکانه و به گونه‌ای غیرمستقیم به کار رفته است و هلمت نصیحت‌های اخلاقی و تربیتی را مانند پاکدلی، دوست خوب بودن، به نرمی با دیگران رفتار کردن، راستگویی و... را آموزش می‌دهد:

دایکم

دایکم گلاره‌ی چاومه

هیزی دل و هه‌ناومه

فیرم ده کا دل پاک بم

سه‌لار و هاوپی چاک بم

وانه‌کانم بخوئیم

به نه‌رمی خه‌لک بدوئیم

له قوتا‌بخانه و له مال

شه‌پ نه‌کم له گه‌ل منال

راستگو بم ره‌وشت جوان بم

دل‌سۆزی کوردستان بم

(۲۱ دیوان مندالان)

ترجمه: مادرم نور چشمم و قوت قلبم است. به من یاد می‌دهد که پاکدل، کدبانو و دوستی خوب باشم. درس‌هایم را خوب بخوانم و با نرمی با مردم رفتار کنم. در مدرسه و خانه با هیچ بچه‌ای دعوا نکنم و راستگو و خوش رفتار باشم.

راوه کهل (شکار بُز کوهی)

ترجمه داستانی است از زبان روسی که لطیف هلمت آن را به صورت قصه‌ای منظوم درآورده است و از همان آغاز عبارت (هه‌بوو نه‌بوو روژانی زوو) که همان یکی بود و یکی نبود قصه‌های ادبیات فارسی است در زبان کُردی اینگونه شروع می‌شود. وزن آن آمیخته‌ای از سروده‌های ۵ و ۱۰ هجایی است. محتوای آن داستان شکارچی بد ذاتی است که خود را در لباس بز کوهی قرار می‌دهد و به شکار می‌رود عاقبت به خاطر همین نقشه‌ی شوم خود، توسط شکارچی دیگری که فکر می‌کند بز کوهی را دیده و به سویش شلیک می‌کند؛ غافل از اینکه بز کوهی نبوده و شکارچی بوده که در پوستین بز کوهی پنهان گشته است؛ شکار می‌شود و این داستان مصداق آن ضرب المثل فارسی است که می‌گوید: «چاه کن در بیخ چاه است».

هه‌بوو نه‌بوو روژانی زوو

راوچییه‌ک بوو

له‌م هه‌رد له و گرد

روژی که‌لیکی راو کرد

خه‌یالی پووچ که‌وته سه‌ری

که‌ولی که‌لی کرده به‌ری

له ملی کرد ره‌زن و تفه‌نگ

له دولیکدا مات بوو بیده‌نگ

راوچییه‌کی تر له‌ولاولوه

بی ئاگا له‌م به‌ند و باوه

ته‌ق دوو گولله‌ی له‌دلی دا

راوچی بری چه‌ند شیو و کهل

چووه سه‌ری به په‌له پهل
 روانی کهل نیه پیاوه
 له‌و که‌وله دا خوی مات داوه

ئه‌وه‌ی پیستی خوی بگوری
 ئه‌وی له خوی بتوری
 به‌د و نابووت و زوله
 ئاخری هه‌ر گولله‌ی توله
 دل و میشکی ده‌پرژینی
 له ناو خوین ده‌یگه‌وزینی
 بژی مروی پاک نیاز
 بمری مروفی فیلباز...

(۲۷ دیوان مندالان)

بووکه‌شووشه (عروسک)

ساختار این شعر هفت هجایی، طول مصراع‌ها برابرند و وحدت موضوع دارد. در توصیف عروسک زیبای دختر بچه‌ای است که این عروسک در کمال زیبایی ویژگی‌های اخلاقی نیکویی نیز دارد؛ من جمله هرگز بهانه نمی‌گیرد، حرف زشت نمی‌زند، پاکدل، راستگو و بی‌کینه است.

بووکه‌شووشه که‌م شه‌نگه
 شه‌پ ناکات و بی‌ده‌نگه
 قرژی زه‌ردیکی کاله
 هه‌ر دوو پروومه‌تی ئاله

چاوه‌کانی ره‌ش ره‌شه
 ده‌می پر خه‌نده‌ی گه‌شه
 جله‌کانی ره‌نگ ره‌نگه
 ملوانکه‌که‌ی قه‌شه‌نگه
 هه‌ر گیز بیانووم پی ناگری
 زور دلپاک و راستگو‌یه
 بی کینه و بی درویه
 وه‌ریناگری و نایه‌وی
 ماندوو بووه.. ئه‌خه‌وی..!

(دیوان مندالان ۴۳)

باخچه‌ی فیرگه (باغچه مدرسه)

شعری است ۸ هجایی با مصراع‌های برابر که در مورد مدرسه و مطالب آموزشی که در مدرسه به دانش‌آموزان ارائه می‌شود، صحبت می‌کند که معلم به دانش‌آموزان یاد می‌دهد که از تلاش و کوشش غافل نباشند تا بتوانند شاد زندگی کنند و در این شعر آرایه‌ی تشبیه بکار رفته است (شه‌پولی بونی خوشی گول) که بوی خوش گل را به موج تشبیه کرده است و (ئیمه‌ش وه‌کو میشه‌نگین) که دانش‌آموز به زنبور عسل تشبیه شده است؛ چونکه علم و هنر را در آموزشگاه فرا می‌گیرد.

باخچه‌ی فیرگه فراوانه
 پر له گولی گه‌ش و جوانه
 شه‌پولی بونی خوشی گول
 شادی ده‌به‌خشی به دل
 میشه‌نگی شابال زیرین

ئه‌مژی گولی دهم شیرین
 شیله ده‌کا به هه‌نگوین
 ئیمه‌ش وه‌کو میشه‌نگین
 به‌هره و هونه‌ر و زانین
 له‌فیرگه‌مان.. وه‌رده‌گرین
 ماموستا فیرمان ده‌کات
 چون هه‌موو کات له‌دوای کات
 هه‌میشه‌گشت تیکوشین
 بو به‌ختیاری و خوشی ژین
 هه‌ر که‌سی تینه‌کوشی
 هه‌رگیز خوشی نانوشی..!

(دیوان مندالان ۵۳)

چل ولاتی گوله (شاخه میهن گل است)

این شعر از نظر ساختار شعری ۷ هجایی با طول مصراع‌های برابر می‌باشد و آرایه‌ی تشخیص در آن مشهود است (ئه‌و گوله شوخ و رهنده / نه جوانی ما نه خهنده) و (قورگی پر بوو له‌گریان / هون هون فرمیسکی رژان) و در محتوای شعر به این نکته اشاره می‌کند که گل دوست دارد روی شاخه باشد زیرا شاخه و ساقه منزل گل است و این نکته اخلاقی را به کودک آموزش می‌دهد که در بوستان‌ها گل را از شاخه نچیند.

روژی دایکی خه‌لات خان
 گوله‌باخی گه‌وره‌ی چان
 بون و به‌رامه‌ی گوله‌باخ
 خوشی ده‌دا به‌ده‌ماخ
 گوله‌باخی روومه‌ت ئال

پیئه که نی وه ک منال
 که با ئه یخسته یاری
 موسیقای لی ئه باری
 ریکه وت روژی له روژان
 خه لات گولیکی قرتان
 شیرین و شه و بو و به یان
 رووناک و شلیر و ریزان
 که له فیرگه هاتنه وه
 سه ر و گولیان کرده وه
 ئه و گوله شوخ و رهنده
 نه جوانی ما نه خهنده
 قورگی پر بو له گریان
 هون هون فرمیسکی رژان
 خه لات خان له و ساته وه
 گول له دار ناکاته وه
 ئه لی گولیش گیانداره
 حه زی له پوپه ی داره
 ئه و هه موو لق و چله
 مال و هه واری گوله
 که ده س ده به ی بو گولیک
 بیکه یته وه له چلیک
 هاوار ده کا: هه فالم
 هاویری جوان و منالم

مه‌مکه‌ره‌وه له دارم
 من له گولدان بیزارم
 من که‌ی جیگام گولدانه
 جیگام پوپه‌ی چالانه

(دیوان مندالان ۶۶)

گول (گل)

شعری کوتاه (۵ بیتی) و با مصراع‌های برابر ۸ هجایی می‌باشد و به نوعی می‌تواند جزو ادبیات تعلیمی محسوب شود؛ چرا که در محتوای شعر به این می‌پردازد که گل چون رنگ و بوی زیبایی دارد مرا به سوی خود می‌کشاند اما من (کودک) از دود و سیاهی و چیزهای ناپاک و کثیف دوری می‌کنم. هر جا گل را ببینم آبیاری‌اش می‌کنم اما از خار بدم می‌آید و آن را از ریشه در می‌آورم و در پایان به این نکته مهم می‌پردازد که دوست خوب و پاک مثل گل است و همیشه جایش در دل است. بیت آخر هم تشبیه دارد (هاورپی پاک وه‌کو گوله / جیی هه‌میشه‌ی ناو دله).

گول که خوشه رنگ و بوی
 رامده‌کیشی بو لای خوی
 به‌لام هه‌رچی دووکه‌له
 لیی راده‌که‌م چه‌په‌له
 له هه‌ر کوی گولی بروی
 ئاوی ده‌ده‌م ده‌سبه‌جی
 که درکی‌کیش به‌دی که‌م
 ئه‌بی له بن ده‌ری که‌م
 هاورپی پاک وه‌کو گوله
 جیی هه‌میشه‌ی ناو دله

(دیوان مندالان ۸۱)

داری بهردار (درخت ثمر دار)

شعری کوتاه، ۶ بیتی و ۷ هجایی با مصراع‌های برابر که تکرار در آن زیاد است مخصوصاً تکرار ترکیب وصفی «داری بهر دار». ترجمه: درخت میوه‌دار را نشکن. ثمره‌اش را بر زمین مریز. همیشه آبیاریش کن، چون میوه‌های خوبی را به تو می‌دهد. درخت میوه‌دار مثل دوستی است که به شهر و روستا زیبایی می‌بخشد و در حکم برادر دوست؛ دستانش پر از سوغات است. درخت میوه‌دار زیباست. شکستنش جرم بزرگی است.

داری بهردار مه‌شکینه

بهر و بووی مه‌وهرینه

ئاوی بده گشت کاتئی

میوهی خوشت ده‌داتئی

داری بهردار هاووریه

جوانی شار و لادییه

داری بهر دار براته

دهستی پر له خه‌لاته

داری بهردار زۆر جوانه

برینه‌وهی تاوانه

(دیوان مندالان ۸۳)

ناشتی بالداران (آشتی پرندگان)

شعری است به صورت داستانی منظوم و تمثیلی که از نظر ساختار ۷ هجایی می‌باشد. از نظر محتوایی به اختلاف بین پرندگان جنگل بر سر اینکه نوک کدامیک زیباتر است

می‌پردازد. در این میان روباهی حیل‌گر قصد داشت به اختلاف آنان دامن بزند و با تفرقه افکنی آنان را یکی یکی بخورد. در این میان عقاب دانا و پیری، دیگر پرندگان را از نقشه‌ی شوم روباه آگاه می‌کند و می‌گوید اختلاف ما بر سر نوک است که کار اشتباهی است زیرا هر پرنده‌ای نوکش برای خودش زیبا و متناسب است. پیام اصلی داستان این است که باید همه اختلاف‌ها را کنار بگذاریم و با هم متحد باشیم و اجازه ندهیم دشمن از اختلاف ما سوءاستفاده کند.

بالنده‌ی ناو دارستان

روژی بوو به هه‌رایان

که‌وتب‌وونه به‌هانه

ده‌نووکی کامیان جوانه!!

کردیان به‌شه‌ره ده‌نووک

لیکیان رنی پهر و تووک

ریویییه پیر په‌یدا بوو

مری لی خوش کردن زوو

وتی: ده‌نووکی هه‌لو

ریک و تیژه وه‌ک چه‌قو

هه‌لوی گورج و داناو ژیر

تیگه‌یشت که ریوی پیر

ده‌یه‌وی به‌هاشه‌هاش

هه‌لو بکات به‌مقاش

بالدارانی پی قر کا

تا خوی ورگی لی پرکا

هه‌لو گو‌تی: براینه

ریوی هه‌رده‌م دوژمنه
 که‌س گوی نه‌گری له رازی
 به ئاگا بن له گازی
 شه‌رمان له سه‌ر ده‌نووکه
 ده‌نووک...زل... یا بچووکه...
 هه‌ر مه‌لیک ده‌نووکی خوی
 ریک و پیک و جوانه بوی
 گه‌ر ناکوک بین سا به خوا
 ریوی دوا یه‌کمان ده‌خوا
 بالداران هه‌موو تیکرا
 ئاشت بوونه‌وه وه‌ک برا
 ریوییه پیر ئه‌مه ی دی
 وه‌کو پفیلک ته‌قی...!

(دیوان مندالان ۹۰)

قوتابخانه (کتابخانه)

شعری است در وصف مدرسه که از دو بخش تشکیل شده است. بخش اول بیشتر تربیتی است و محافظت از فضای مدرسه، مواظبت از باغچه، در و پنجره و تمیز نگه داشتن آن را از زبان کودک بازگو می‌کند و بخش دوم دیگر فواید مدرسه را از قبیل روشنایی بخشی آموزش و مقاومت در برابر دشمن را نهادینه می‌کند. در بیت (فی‌رمان ده‌کات وشه و ده‌نگ / بخه‌ینه کار وه‌ک تفه‌نگ) کلمه و صدا را به تفنگ تشبیه کرده است.

قوتابخانه زور خوشه
 مه‌لبه‌ندی بیر و هوشه

ئه‌پاریزم باخچه‌که‌ی
 ده‌رگا و شووشه‌ی په‌نجه‌ره‌ی
 به‌رد ناهام بو داری
 پر له گول و هه‌ناری
 کاغه‌ز و تویکی قه‌له‌م
 له‌حه‌وشه‌یدا تور ناده‌م

قوتابخانه گشت ساتی
 رووناکیما ده‌داتی
 فیرمان ده‌کات وریا بین
 بو ته‌نگانه ئازا بین
 فیرمان ده‌کات وشه و ده‌نگ
 بخه‌ینه کار وه‌ک تفه‌نگ
 بوه‌ستین دژی زوردار
 دژی دوژمن و به‌دکار
 دژی ئه‌وه‌ی ده‌یه‌وی
 ئه‌م ولاته دوا که‌وی
 به‌کوششی هه‌موومان
 پیش ده‌که‌وی نیشتمان
 قوتابخانه زور خوشه
 مه‌لبه‌ندی بیر و هوشه

(دیوان مندالان ۱۲۰)

گه‌رانه‌وی مه‌ل (بازگشت پرنده)

داستانی است از معین بسیسو که از این قرار است که گنجشک‌ها بعد از آنکه چینه‌دانشان پر از گندم شد به لانه‌هایشان بازگشتند، در بین راه تندباد شدیدی وزیدن گرفت. یکی از گنجشک‌ها را در خود پیچاند و همه پرهایش را از او گرفت. پرنده بیچاره در میان هیزم و شاخه‌های خشک شده‌ای افتاد. ناگهان پرنده‌ای گوشتخوار قصد خوردنش را کرد. گنجشک بی پر و بال با هزار زحمت از خود دفاع کرد تا اینکه دوستانش فرا رسیدند و پرنده گوشتخوار را فراری دادند و بعد هر یک پری از پرهایشان را به او دادند؛ پرنده‌ی بی پر و بال، پر و بال تازه‌ای پیدا و دوباره به اوج آسمان پرواز کرد و دیگر پرندگان نیز به دنبال او پرواز کردند.

گه‌رانه‌وی مه‌ل

چیروکی «معین بسیسو»

هموو چوله‌که‌کان دوا‌ی ئه‌وه‌ی جیل‌کل‌دانه‌کانیان پر له گه‌نم کرد به‌ره‌و لانه‌کانیان گه‌رانه‌وه. له‌ناکاودا ره‌شه‌بایه‌ک هه‌لی‌کرد و هه‌وره سپیبه‌کان ره‌ش هه‌ل‌گه‌ران و ره‌شه‌با تونده‌که مه‌لیکی لوول کرد و هموو پهر و توو‌که‌کانی هه‌لو‌ه‌راند. مه‌له‌که که‌وته ناو بری داره‌وه و پهری چیه به سنگ و بالییه‌وه نه‌ما. هه‌ندی بالنده‌ی گوشتخور ده‌وریان ته‌نی و ئه‌وه‌نده‌ی نه‌مابوو به ده‌نو‌ک دایا‌چن. ئه‌ویش به باله رووتاو‌ه‌کانی هه‌ر به‌رگری له خوی ده‌کرد... مه‌له هاو‌ری‌کانی ها لیره ها له‌وی هه‌ر به دوا‌یدا ده‌گه‌ران و بال‌داریکی گوشتخور و فریای که‌وتن... روانیان وه له بن داریکدا به ته‌نیا به‌رگری له خوی ده‌کات... هه‌موویان روویان له مه‌له رووته‌که کرد و بال‌داره گوشتخوره که‌یان راو نا و هه‌ریه‌که به ده‌نو‌وکی خوی په‌ریکی له بن بالی خوی کرده‌وه و یه‌که یه‌که به ده‌نو‌وکه‌کانیان ئه‌و په‌رانه‌یان له سینگ و بالی مه‌له رووته‌که‌دا چه‌قاند و مه‌لی رووته‌له که پهر و بالی به له‌شی خویه‌وه دی دای له شه‌قه‌ی بال و له‌گه‌ل هه‌موو مه‌له هاو‌ری‌کانیدا که‌وته‌وه فرین..

(دیوان مندالان ۱۴۰)

باوک و دایک (پدر و مادر)

شعری است کوتاه و ۶ بیتی و از نظر وزن ۷ هجایی که از نظر محتوایی از این قرار است که کودک می‌گوید پدر و مادرم را دوست دارم چون فقط آنان غم را از دل من می‌زدایند.

لطیف هلمت همچنین در شعر «باوک و دایک» (پدر و مادر) به دوست داشتن آن‌ها و آرزوی خوشبختی و شادی برایشان اشاره کرده است. موضوع دیگری که در این شعر به آن‌ها توجه شده، اختلاف و درگیری خانوادگی پدر و مادر است. که دغدغه درونی و عاطفی هر کودکی است.

دایک و باوکم خوڤ ده‌وین

هه‌ر ئه‌وان خه‌م ره‌وین

که له یه‌ک تو‌ره‌ ده‌بن

تاریک دادی ژینی من

کاتیک که پی ده‌که‌نن

دل‌م ده‌کا‌شه‌شن

منی مندال‌ه‌ز ده‌که‌م

ره‌ویان خوڤ بی‌ه‌موو ده‌م

شادی ئه‌وان بدونی

منیش خه‌م نامینه‌ی

ببه‌گیان و دایه‌گیان

هه‌ر دل‌شاد بن هه‌ر دوکتان

ناشتی (آشتی)

شعر کوتاه ۸ بیتی که بیت آخر آن هم تکرار است. وزن شعر ۸ هجایی (مصرع دوم بیت اول ۷ هجایی) می‌باشد. از نظر محتوایی به این می‌پردازد که ای پرندگان از این به بعد با آزادی پرواز کنید، لانه بسازید و روی شاخه‌ها بنحوابید که ما کودکان گُردستان قول می‌دهیم که دیگر به سوی پرندگان سنگ نندازیم و آن‌ها را آزار ندهیم. نکته اخلاقی این شعر دوستی با پرندگان و آزار نرساندن به آنان می‌باشد.

ئهی بالنده و کوتر له کوین

بفرن گورانی بلین

چینه بکه‌ن له گولزاردا

بنوون له‌سه‌ر لقی داردا

له گوی چه‌می سه‌ما بکه‌ن

یاری له گهل بادا بکه‌ن

هیلا‌نه‌ی تازه ساز بکه‌ن

گه‌ردوون پر له ئاواز بکه‌ن

ئیمه‌ی مندا‌لانی کورد

نیر و می... درشت و ورد

وا بریارمان داوه ئیتر

به‌رد نه‌گرین له مه‌ل و کوتر

چی دار لاستیکه بیشکینین

له نه‌وروزدا بیسوتینین

ئهی بالنده و کوتر له کوین

به ئازادی به‌سته بلین

وه‌لام (جواب)

بازآفرینی حکایتی است که هلمت مضمون این داستان را به شیوه‌ای دیگر برگرفته است و محتوای حکایت از این قرار است که شاخه‌ها و ساقه‌های درختی با هم نزاع کردند که کدامیک محکمتر و یا بلندتر هستند. تنه درخت می‌گوید من از همه شما محکمتر هستم. ریشه به سخن می‌آید و می‌گوید زمین از همه‌ی ما مهمتر و محکمتر است؛ اگر زمین نباشد و من ریشه‌ام را در آن استوار نکنم همه ما از بین می‌رویم.

لق و چل و بالای داریک بوو به مشت و مریان و لقه دریژه‌کان گوتیان: ئیمه دریژ و جوانین...

لقه کورته‌کان گوتیان: ئیمه پته‌وین و دهستی که‌سمان ناگاتی..

لقه ئه‌ستوو‌ره‌کان گوتیان: ئیمه به‌هیزین و ره‌شه‌با ناتوانی بمانشکینی..

بالای داره‌که گوتی: ئهم هه‌راهه‌رایه چییه..! ئه‌گه‌ر بالای به‌رزی من نه‌بی ئیوه له ژیر پیی ئهم و ئه‌دا ده‌پلیشینه‌وه.. له پر ره‌گی داره‌که هاته قسه و گوتی: له‌خوبایی بوون کاریکی باش نه... بو ئیوه جوان نه‌وا له رووی یه‌کتردا خوتان ئاوا هه‌لده کیشن... ئیوه هه‌مووتان به‌منه‌وه به‌ستراون و منیش به‌زه‌ویییه‌وه به‌ستراوم.. ئه‌گه‌ر زه‌وی نه‌بی نه من ده‌بم و نه ئیوه‌ش ده‌بن..!

تییینی: بیروکه‌ی ئهم چیروکه‌م وه‌رگرتوووه و به‌شیویه‌کی دی.. دامرشته‌وه.

(دیوان مندالان ۲۰۱)

هاوری (دوست)

شعری کوتاه، ۵ بیتی و ۷ هجایی که واج‌آرایی حرف ک و پ در بیت دوم به چشم می‌خورد. از نظر محتوایی به این می‌پردازد که کودک می‌گوید خواهرم را دوست دارم او هم بدون من آرام نمی‌گیرد. با هم می‌خندیم و برای همدیگر هدیه می‌خریم. به مادرمان کمک می‌کنیم و از پدر هم تشکر می‌کنیم و با دیدنشان آرام می‌گیریم. به یک

اندازه دوستشان داریم. دو کودک زیرک هستیم که برای یکدیگر مانند دوست شفیقی هستیم.

خوشکه که مم خوشدهوی

ئهویش بی من ناسرهوی

پیکه وه پیده که نین

دیاری بو یه که ده کرین

یارمه تی دایکه ده دهین

سو پاسی باو که ده کهین

دوو مندالی زیره کین

هاورپی دلسوزی یه کین

(دیوان مندالان ۲۲۶)

به چکه چوله که (جوجه گنجشک)

شعری ۵ بندی که هر بند ۳ مصرع هم قافیه دارد. همه مصرع‌ها ۷ هجایی اما مصرع دوم بند اول ۸ هجایی می‌باشد. از لحاظ محتوایی به این گونه است که دیروز هنگام غروب بچه گنجشکی از لانه‌اش که روی درخت بود؛ به زمین افتاد، احساس درد کرد و گریه و جیک جیک کرد. منم (کودک یا شاعر) گفتم ای بی پر و بال گریه نکن به تو قول می‌دهم هر لحظه مراقبت باشم و آب و دانه‌ات را را بدهم. وقتی مادر بچه گنجشک برگشت و من را کنار بچه‌اش دید در اطرافم چرخید و گفت ای دوستم هزاربار از تو تشکر می‌کنم که از بچه‌ام مواظبت کردی.

دوینی ده مه و ئیواری

به چکه چوله که ی سهر داری

له لانه که وته خواری

گِریا و که‌وته جوکه‌جوک
 و تم چوله که‌ی بچووک
 مه‌گری ئه‌ی بی بال و تووک
 من به‌لینت ده‌ده‌می
 ده‌تپاریزم گشت ژه‌می
 دان و ئاوت ده‌ده‌می
 که دایکه‌که‌ی گه‌رایه‌وه
 منی بینی له لایه‌وه
 به ده‌ورمدا سورایه‌وه
 وتی سوپاست ده‌کم
 هزار سوپاس هاووریکه‌م
 پاراستووته به‌چکه‌کم

(دیوان مندالان ۲۵۳)

کو و تاک (جمع و فرد)

شعری با مصراع‌های ۷ هجایی و ۸ هجایی می‌باشد که لطیف هلمت این شعر را تحت تاثیر حکایتی به زبان آذری نوشته است و چنین داستانی به شیوه‌ای متفاوت در کلیله و دمنه نیز آمده است. از نظر محتوایی به این می‌پردازد که دو گاو می‌خواستند به جنگل بروند و رفع خستگی کنند؛ شیری به آنان حمله کرد و هردو گاو فوراً شاخ‌هایشان را روبه‌روی شیر قرار دادند. شیر وقتی دید که آنها متحدند و از یکدیگر محافظت می‌کنند گفت باید حيله‌ای بسازم؛ رو به گاو بزرگ کرد و گفت ای گاو پهلوان چون که خیلی قدرتمند و شجاع هستی قسم می‌خورم که تو را سلطان جنگل کنم و تو از امروز به بعد سلطان جنگل هستی. گاو فریب خورد و به سمت شیر رفت.

شیر وقتی دید که گاو دیگر تنها شده است فوراً به او حمله کرد و او را تکه پاره نمود
و بعد از مدتی دیگر گاو بعدی را نیز خورد.

دوو گا بو دارستان ده‌چوون

پشو و بدهن دوای ماندوو بوون

شیریک به‌ره وروویان هات

ویستی په‌لاماریان بدات

هه‌ردوو گاکه ده‌ست و برد

شاخه تیژه کانیاں ره‌پ کرد

شیره‌که بینی یه‌ک هیزن

یه‌کتری ده‌پاریزن

وتی سه‌رناگری کاره‌که‌م

وا باشه فیلک بکه‌م

رووی کرده گا گه‌وره که‌یان

وتی ئه‌ی گای پاله‌وان

چونکه تو زور زور ئازای

له توانادا بی هاوتای

بریاره و سوینده و په‌یمان

ده‌تکه‌م به شای دارستان

تو پاشای دارستان به

سه‌ر گه‌وره‌ی ئازه‌لان به

گاکه هه‌لخه‌له‌تا زوو

به‌ره و لای شیره‌که چوو

شیرکه زانی ته‌نیایه

گورج په‌لاماری دایه
 نه‌راندی و شالوی بو برد
 گاکه‌ی پارچه پارچه کرد
 ئه‌نجا به چرنووک و ددان
 گاکه‌ی تریشی تیک شکان..

بنه‌ره‌تی ئه‌م شیعره‌م له‌ چیروکیکی ئازه‌رییه‌وه هه‌لینجاوه...

(دیوان مندالان ۲۵۴ و ۲۵۵)

بالنده (پرنده)

شعری کوتاه ۷ بیتی و ۷ هجایی (مصرع دوم بیت اول ۸ هجایی می‌باشد) و تقریباً داستان منسجمی است که از نظر محتوا به این می‌پردازد که پرنده زیبایی داشتیم در جایی بلند و در قفس نگهش داشتیم. همه چیز را برایش فراهم کرده بودم. اما او غمگین بود؛ روزی از پرنده پرسیدم چه چیز را دوست داری، گفت: پرواز در آسمان. قفس برایم زندان است. پس در قفس را شکستم و پرنده زیبا پرواز کرد.

بالنده یه‌کم هه‌بوو
 له جوانیدا وینه‌ی نه‌بوو
 له جیه‌کی زور به‌رزدا
 دامنا‌بوو له قه‌فه‌زدا
 چهن دانه‌م بو روده کرد
 شتی جوانم بو ده‌برد
 ده‌مدایی توپی زور جوان
 بوو‌که‌شووشه و می‌زدان
 به‌لام ئه‌و خه‌مبار بوو
 له‌گشت شتی بیزار بوو

روژی لیی که و تمه پرسیار
 وتم بالندهی نازدار
 هزت له چیه بلی
 له چ میوه و چ گولی
 وتی هزم له ئاسمانه
 قهفهز بو من زیندانه
 ده رگای قهفهزم شکان
 هه لفری بالندهی جوان
 له دوور دهنگی هاته گویم
 ده یگوت به گشتان دهلیم
 گهر ریزی بالدار ده گرن
 ریی فرینی لی مه گرن
 مالی بالدار ئاسمانه
 ئاسمان بی بالدار که ی جوانه...!

(دیوان مندالان ۳۰۶)

جادو

داستان درباره دختری است به اسم شهلا که گنجشکی را گرفت و می خواست آن را در قفس بیاندازد. پرنده بو او گفت که اگر مرا آزاد کنی یکی از پرهایم را به تو می دهم. هر گاه نیازی داشتی با یک فوت زدن به پر من، آن را برایت فراهم می کنم. شهلا از خانواده ای فقیر و خیلی هم مهربان بود. پرنده را رها کرد. روز بعد که شهلا از مدرسه برگشت در خانه به مادرش گفت گرسنه ام. مادرش گفت شهلا جان پدرت امروز مریض بوده و سرکار نرفته است. باید امروز نان و چای بخوری. شهلا زود به یاد پر افتاد و فوراً آن را فوت کرد و پرنده حاضر شد و گفت شهلا جان در خدمتم،

چه کاری برای انجام دهم؟ شهلا گفت می‌خواهم خانه ما و همه خانه‌های همسایه‌ها را با زر و زیور بیارایی و همچنین غذای خوشمزه را برایمان فراهم کنی. پرنده زود خواسته شهلا را به جا آورد و اهالی محل هم که از این کار آگاه شدند برای تشکر از شهلا پیش او آمدند و محله را هم شهلا نام گذاشتند؛ زیرا شهلا دختری خودپرست و خودخواه نبود و در فکر خوشبختی و آسودگی همسایه‌ها نیز بود. مصداق این ضرب المثل می‌باشد که می‌گوید: آنچه را که برای خود می‌پسندی، برای دیگران هم پسند. شالا چوله‌که‌یه‌کی گرت و ویستی بیخاته رکیکه‌وه...

چوله‌که‌که گوتی: شالا خان نه‌گه‌ر به‌ره‌لام بکه‌ی په‌ریکی بن بالی خومت دده‌می هه‌رچهند پیویستت به شتیک بوو فوویه‌ک له په‌ره‌که بکه و من گورج ئاماده ده‌بم و داواکاریه‌که ت جیه‌جی ده‌کم...

شالا کچیکی میهره‌بان و به‌به‌زه‌یی بوو له خیزانیکی هه‌ژار و له گه‌ره‌کیکی هه‌ژار دا ده‌ژیا... په‌ری بن بالی چوله‌که‌ی خسته‌گیرفانی و چوله‌که‌که‌ی به‌ره‌لا کرد...

ئیتیر خور ئاوابوو دوا‌ی نانی شیوان شالا نه‌رکه‌کانی قوتابخانه‌ی به‌جی هینا و دره‌نگانی نووست و که روژ بووه قاوه‌تی کرد و چوو بو قوتابخانه... کاتی له قوتابخانه گه‌رایه‌وه وه‌ختی نانخواردنی نیوه‌رو بوو...

شالا گوتی: دایکه گیان برسیمه... دایکی گوتی شالا گیان نه‌مرو باوکت نه‌خوش بوو نه‌چوو بو ئیش هه‌ر نان و چای رووتمان هه‌یه بیخوی... شالا هه‌زی له خواردنی خوش بوو په‌ره‌که‌ی بیر که‌وته و خیرا له گیرفانی ده‌ری هانی و فوویه‌کی لیکرد و چوله‌که‌که ده‌ستبه‌جی ئاماده‌بوو گوتی شالا خان چیت ده‌وی بوت بکه‌م من هه‌موو داواکاریه‌کت جی به‌جی ده‌که‌م... شالا گوتی: ده‌مه‌وی ماله‌که‌ی ئیمه و هه‌موو مالیکی ئه‌م گه‌ره‌که هه‌ژاره بکه‌ی به ئالتون و دار و دره‌ختی باخچه‌کانیان زیر و مرواری و یاقووت و نه‌لماس و زمرووت و نان و میوه‌ی خوش و خوارده‌مه‌نی ئاماده‌کراوی به‌تام و چیژ بگری... چوله‌که‌که گورج داواکاریه‌که‌ی شالا خانی جیه‌جی کرد و خه‌لکی

گه‌ره‌که‌کش که به‌م رووداو‌ه‌یان زانی ده‌سته ده‌سته هاتن بو سوپاس کردنی شالا خان و ناوی گه‌ره‌که‌شیان نا گه‌ره‌کی شالا... چونکه شالا خان کچیکی خو‌په‌رست نه‌بوو ته‌نیا به‌خته‌وه‌ری و ئاسوده‌گی هه‌ر بو خوی نه‌ده‌یست به‌لکو ئه‌وه‌نده میه‌ره‌بان بوو ئاسوده‌یی و خوشگوزه‌رانی بو خه‌لکی هاوچه‌شنی خوی و هه‌موو جیهان ده‌ویست.

(دیوان مندالان ۳۴۶ و ۳۴۷)

وایل ده‌بی به‌که‌شتیوان (وایل ملوان می‌شود)

داستانی است که لطیف هلمت آن را از داستان‌های عربی و از شخصی به نام لیلا صایا ترجمه کرده است و آرزوی پسری به نام وایل را بازگو می‌کند که می‌خواهد ملوان شود و داستان از این قرار است که سامر و وایل با هم دوست هستند و در یک کلاس درس می‌خوانند. در جشن تولد همدیگر شرکت می‌کنند و وقتی که سامر مریض بود وایل به عیادتش رفت. سامر آرزو دارد که فیلم کارتون بسازد و وایل دوست دارد ملوان شود و کشتی‌ها را براند. آرزوی هردو متفاوت است اما هردو با هم دوست هستند.

وایل ده‌بی به‌که‌شتیوان

«چیروکی لیلا صایا»

سامر و وایل دوو هاو‌رین... روژانه یه‌کدی ده‌بینن هه‌ردوکیان له پولیکدا قوتابین... کاتی سامر نه‌خوش که‌وت نه‌یتوانی بچی بو قوتابخانه... وایل له ماله‌وه دیده‌نی کرد و چه‌پکی گولی بو برد.

هه‌ردوکیان له جه‌ژنی له دایکبوونی به‌کدیدا دیاری پیشکه‌ش به یه‌ک ده‌که‌ن.

جاریکیان دیاری وایل بو سامری هاو‌ری ی پاپوریکی چاروکه‌دار بوو...

هه‌ردوکیان له‌وه‌رشه‌ی ئیش و کاردا وه‌کو تیمیکی بچووک سه‌رقالن. جاریکیان دیاری له کاغ‌ز و مقه‌با و که‌تیره کیلگه‌یه‌کیان دروست کرد...

کاتی یه‌کیکیان سه‌فهر ده‌کات کارتیک بو هاوریکه‌ی ده‌نیری و دیاریه‌کیشی بو یادگار
پیشکesh ده‌کات.

هه‌ردوکیان له‌گه‌شت و گوزاری قوتابخانه‌دا به‌شداری ده‌که‌ن.

سامر هه‌زی له‌وینه‌گرته‌نی شوینه‌کانه به‌کامیرا به‌لام وایل تییینیه‌کانی خوی له
ده‌فته‌ریکی بچوو‌کدا تومار ده‌کات.

سامر خه‌و به‌وه‌وه ده‌بینی فلیمی کارتون دروست بکات... تا‌کو مندالان سه‌یری بکه‌ن...
به‌لام وایل هه‌ز ده‌کات ببی به‌که‌شتی لخوری...

خه‌ونی هه‌ردوکیان لیکدی جیایه...

به‌لام هه‌ردوکیان هاورین...

(دیوان مندالان ۳۹۶)

کامه‌یه مافی مندال...؟؟؟!! (حق کودک کدام است...؟؟!!)

در این شعر که پرداخته‌ی ذهن و تخیل لطیف هلمت است به‌تکدی‌گری کودکان که
یکی از منظره‌های زشت اجتماعی است اشاره می‌کند و فضای تکدی‌گری را به
جنگلی می‌برد و باران باریدن گرفته است. پرندگان، خزندگان، چرندگان و حتی
حشرات جایی را جستجو می‌کنند تا از خیس شدن در امان بمانند. تمامی جانداران
جنگل جایی را برای پناه گرفتن خود پیدا کردند بغیر از کودکی آواره که تنها در زیر
باران مانده بود و گاهی برخی از رهگذران سکه‌ای به او می‌دادند. آیا این حق کودک
است که در زیر باران بخوابد و گدایی کند؟

کامه‌یه مافی مندال

نوستنی به‌ر باران و سوال

یا جگه‌ره فروشتن

یا له‌سه‌ر جاده‌خه‌وتن

یا بیبه‌ش بوون له‌خویندن

لیدان و سه رکوت کردن
 ژینی ناخوشر له مردن
 یا وه کو «له‌ری» کوشتن
 ئەمه‌یه مافی مندال
 روژی تار و شه‌وی تال
 هاواره هاوار دادگه
 به فریای مندالان بگه
 مافی ره‌ویان دابین که
 ژیانیان پر له پیکه‌نین که...

(دیوان مندالان ۴۱۸)

کوتر (کبوتر)

شعری کوتاه و ۶ بیتی که ناهماهنگی در اوزان آن مشهود است و به صلح و دوستی اشاره دارد. از نظر محتوایی می‌گوید: من کبوتر دوستی هستم. اولین پیام‌آور صلح. رنگ‌های مختلفی دارم و هم در شهر و هم در روستا و هم در دشت زندگی می‌کنم. من زیتون را برای حضرت نوح (ع) آوردم، اولین پستیچی تاریخم و گذشته‌ام پرشکوه است.

من کوتری خوشه‌ویستیم
 یه کهم په‌یامبه‌ری ئاشتیم
 سوورم... ره‌شم... شینم... سپیم
 مورم... خالخالم... چنچلیم
 له گوند و شار و شاخ ده‌ژیم
 من کوتری خوشه‌ویستیم
 من چله زه‌یتوونم هاورد

پیشکەشی کەشتی نووحم کرد

یە کەم پوستانە چی میژووم

پر شکوێه رابوردووم

خواردنم جوێه و گەنم

پە یامبەری ناشتی منم

(دیوان مندالان ۴۲۱)

کەو (کبک)

شعری کوتاه و ۶ بیتی و ۷ هجایی و از نظر وزن هماهنگ است. از نظر اخلاقی به شکار نکردن کبک و آزار نرساندن به آن اشاره دارد. از نظر محتوا این را بازگو می‌کند که من کبکم و در دشت و کوه زندگی می‌کنم. یا روی قله‌ها هستم یا در باغ، گندم و سبزه را می‌خورم و از دام و تفنگ ساچمه‌ای بیزارم. پرندای خوش صدا هستم. آب گوارا می‌نوشم، رنگم زیباست و جرئت نمی‌کنم بخوانم چون وقتی که می‌خوانم فوراً شکارچی به سراغم می‌آید و مرا شکار می‌کند.

منم کەوی ناو دەشت و شاخ

یا لە لوتکەم یا لە باخ

خواردنم گەنم و سەوزیە

رقم لە داو و ساچمەیه

بالداریکێ دەنگخووشم

ئاوی سازگار دەنوشم

جوان و دلگیرە رەنگم

هەتا بلی قەشەنگم

ناویرم دەنگ هەلبرم

راوچی گورج دیته سه‌رم

ده‌ورم به داو ده‌ته‌نی

چه‌قوله ملم ده‌نی

(دیوان مندالان ۴۲۷)

نتیجه‌گیری:

مهم‌ترین نتایج این پژوهش را می‌توان این گونه بیان کرد:

- زبان شعر هلمت ساده و به دور از تشبیهات و استعارات پیچیده و دور از ذهن است. او به جای اینکه با جسم و تن واژه‌ها کار کند، با روح و روان آن‌ها کار می‌کند. زبان اکثر این اشعار ساده و قابل فهم برای کودک است. در بسیاری موارد، شاعر شعر را از زبان کودک سروده و از پشت چشم او به محیط نگریسته است.

- در دیوان مندالان لطیف هلمت اشعاری که بر پایه پند و اندرز مستقیم باشد کمتر دیده می‌شود و پند و اندرز را به صورت غیرمستقیم و با آرزوهای کودکان و تخیل و رویا بیان کرده است.

- هلمت در حکایت‌گویی نیز مانند اشعار از مضامین اخلاقی و تربیتی غافل نبوده و از قدرت خود بهره گرفته و گاهی نیز از حکایات ترجمه شده استفاده کرده است. حکایات زاده ذهن هلمت تخیلی‌تر و متنوع‌تر از حکایات ترجمه شده می‌باشد که بسیاری از آنان جنبه‌ی تربیتی، تعلیمی و پند و اندرز دارد.

- هلمت در آموزش اخلاقیات به کودکان، بیشتر به آزادی پرندگان و محافظت از درختان و گلها پرداخته است.

پی‌نوشت:

(هه لمه ت) هلمت در زبان کُردی به معنی (هجوم و یورش) است.

منابع و مأخذ:

- ۱- هه‌لمه‌ت)هلمت، لطیف (۱۳۹۳). دیوان اشعار مندالان، کرج، انتشارات مانگ.
- ۲- شکری پور، مختار (مترجم). (۱۳۹۵). گورستان گل‌ها، تهران، نشر ثالث.
- ۳- کریم مجاور، رضا (مترجم). (۱۳۹۵). گیسوانت سیه چادر گرمسیر و سردسیر من است، تهران، نشر چشمه.
- ۴- گرمارودی، مصطفی. (۱۳۸۲). شعر کودک از آغاز تا امروز، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ.
- ۵- شرف‌کندی، عبدالرحمن (ه‌زار). (۱۳۹۶). فرهنگ کُردی- فارسی، تهران، انتشارات سروش.

Moral and educational themes in the poems of Latif Helmat, a poet from Iraqi Kurdistan

Seyed Kayhan Shohadai (Corresponding Author)

Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature,
Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran.

Shirin Gorgani

PhD Student, Persian Language and Literature, Sanandaj Branch, Islamic
Azad University, Sanandaj, Iran.

Abstract

Latif Helmat is one of the poets from Nowsara, Iraqi Kurdistan, who is considered one of the pioneers of children's poetry in Iran and Iraq. In terms of language, Helmat's poetry has its own special style. A language that is far from metaphor and allusions, it tries to communicate with its audience in complete simplicity. Helmat looks at issues through the eyes of children and considers children to be the companions of the clouds and the interlocutors of the wind. He puts himself in the place of children and creatively teaches children moral and educational themes in the poems he writes. But the interesting point is Helmat's strange and inherent skill in children's poetry; because children's poetry requires its own skill and spirit, and it must have a childish and pure spirit in order to be able to penetrate and have an impact on this future-building segment of society. Helmet, considering the intellectual needs and limited understanding of

children, chooses a childish perspective in his poems and instead of directly advising children, indirectly takes them to the world of imagination and dreams.

The present article seeks to discuss and examine the moral and educational themes in Helmet's poetry in a descriptive-analytical manner from the perspectives of structure and content. The results obtained show that Latif Helmet, unlike other Kurdish poets, has pointed out the precious essence of morality and education in children's poems.

Keywords: Children's poetry- Latif Helmet - imagination - morality - education